ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۵ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۱ | اذان صبح فردا ۵/۳۱ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۱

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
از نفرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان می‌رود.
کنزالعمال، ج ۳، ص۵۰۰، ح ۷۶۰۱

فرصت انتخاب کتاب را از کودکانمان دریغ نکنیم

حمیدرضا شاه‌آبادی: هنوز بسیاری از ما بلد نیستیم برخی نیازهای روزمره خودمان را با کتاب برآورده کنیم. تقویت این موضوع بویژه در نسل جوان و نوجوان یکی از راه‌های ایجاد جذابیت برای مطالعه است. با افزایش سن کودکان و تغییر مقاطع تحصیلی خانواده‌ها حس می‌کنند که کتابخوانی مسأله‌ای مضر و مانع از رشد تحصیلی فرزندشان است. در صورتی که آنها تا تخیل نکنند، نمی‌توانند راهی برای درک علوم گوناگون داشته باشند. راه فرود به فهم متن تقویت لذت بردن از متون مختلف است و این لذت با تخیل کردن حاصل می‌شود. باید به کودکان و نوجوانان این فرصت و اجازه را داد تا خودشان برای مطالعه کتاب انتخاب کنند و خودشان نسبتشان را با کتاب تعریف کنند. مطالعه و حتی نوشتن از بدیهیات انسان فرهیخته است. البته این مسأله را هم باید دانست که نباید با کشف این دست بدیهیات در کودکانمان چندان ذوق زده شویم و فکر کنیم چون که مطالعه می‌کند و حتی داستان می‌نویسد حتماً نخبه است. سن آنها سنی نیست که بتوانند برای کاری که قرار است در ادامه در پیش بگیرند به تصمیم قطعی برسند. باید اجازه داد تجربه کنند و خودشان راهشان را پیدا کنند.

بخشی از گفته‌های این نویسنده و پژوهشگر تاریخ در ایسنا

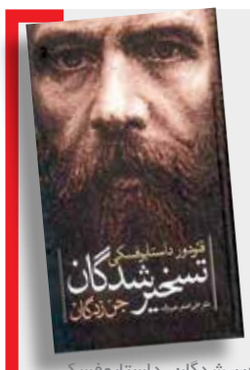

می‌دانم اگر قضاوت نادرستی درمورد کسی بکنم دنیا تمام تلاشش را می‌کند تا مرا در شرایط او قرار دهد، تا به من ثابت کند که در تاریکی همه ما شبیه یکدیگریم.

تسخیر شدگان، داستایوفسکی، علی اصغر خبره‌زاده، نشر نگاه

نـــگاره

نیما شاه‌میری

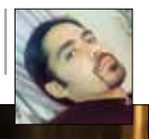

بازگشت برف و باران از دوشنبه

زندگی در تئاتر دانشجویی

یادداشت

حسین جمالی
نویسنده و کارگردان

گفتن و نوشتن از تئاتر همیشه من را می‌برد تا روزهای دانشجویی و روزگار زیبایی که در محیط دانشگاه در تکاپوی رسیدن به تئاتر بودیم؛ روزهایی که اشتیاقی علیحده در ما به وجود آورد و آینده‌مان را روشن کرد و مسیر را نشانمان داد. همین است که نه من، که بسیاری از صاحبنام‌ها و چهره‌های درجه یک روی اهمیت تئاتر به‌عنوان فرصتی برای زایش فرم و محتواهای تازه تأکید کرده‌اند و آن را زمینه‌ساز و بسترساز شکوفایی انگیزه‌ها و اشتیاق‌ها و در نهایت استعدادهای جوانی دانسته‌اند که ممکن است دایره زیست‌شان به دورترین یا نزدیک‌ترین شهرها باشد. این جوان‌ها از شهرهای مختلف برای تحصیل و خودسازی وارد دانشگاه‌ها می‌شوند و بینش و فرهنگ بومی خودشان را به این فضای تازه می‌آورند و در خلال همکاری‌ها و همزیستی‌های دانشجویی معجونی تازه تجربه می‌کنند. هنرمند تئاتر دانشگاهی، جوان، خلاق و پر از انرژی است. از مکاشفه و آفریدن صحنه‌های بدیع و شگفت‌انگیز بیم ندارد و بر توان خود تکیه می‌دارد و اندیشه انسان غیروابسته را بر صحنه‌های پژوهیده‌اش تمرین و اجرا می‌کند. تئاتر دانشگاهی بر تفکر تازه متکی است و هنرمند این نوع از تئاتر با تمام وجود تلاش می‌کند تا خودش و هر آنچه ریشه‌های اوست برون بریزد، بیاورد و موجودیت پاک و انسانی‌اش را با نور، رنگ، آهنگ و حرکت به جهان پیرامون‌اش نشان دهد. سؤال اینجاست که آیا تئاتر در طول زیست تاریخی‌اش هدفی غیر از این داشته است؟ دانشجویانی که وقت و عمر جوانی خود را در پلاتوهای کوچک با کمترین امکانات سپری می‌کنند و به تمرین گفتارها و حرکت‌های نمایشی بسنده نمی‌کنند و حقوق خود را به جای گیشه‌ها از تاریخ پیش‌رو و آینده نزدیک دریافت می‌کنند. برای من که هنوز خود را دانشجو می‌دانم این یعنی خود زندگی... چرا که تئاتر فقط یک شغل نیست و شاید حتی اصلاً شغل نباشد. تئاتر وسیله‌ای برای شناخت خود و جهان پیرامون است و می‌خواهد چیزی بشود تا بیایند، ببینندش. ارزش تئاتر دانشگاهی بیش از هر مقوله دیگری (که همه آنها نیز با ارزش‌اند) شور و اشتیاق خستگی‌ناپذیر هنرمندان آن است. دانشگاه‌ها و فعالیت هنری در دانشگاه رنگ‌بندی زیبایی از طیف افرادی ازجمله تئاتری‌ها و غیر تئاتری‌ها را با برچسب زیبایی به‌نام تئاتر دور هم جمع می‌کنند تا به طرزی نامحسوس، مکالمه اجتماعی شکل یافته از بینش‌ها در قالب هنر تئاتر شکل بگیرد. باوجود همه مصایب اقتصادی و... اگر چرخ تئاتر دانشگاهی با اراده و جنبش خود دانشجویان به حرکت درآید و مدیران فرهنگی با نگاهی پدرانه از استقلال این جریان حمایت به عمل بیاورد خواهیم دید که شکوفه‌های پر از طراوت دانشجویان درسال‌های نه چندان دور، نسیم بهاری را به درخت تئاتر حرفه‌ای ما می‌دمند و مخاطب تئاتر نفس‌اش تازه می‌شود. تئاتر در دانشگاه‌ها، دانشجویان را در پویاترین دوران زندگی‌شان که همان سن نوجوانی و جوانی باشد گرد هم می‌آورد و کار گروهی و تشکیل اجتماع را به آنها می‌آموزد. همه اینها باعث شد که از همان دوران دانشجویی با خود قرار بگذارم تا همیشه دانشجو بمانم و این فرصت را فرصتی مستمر بدانم که هنوز و همیشه می‌شود از آن آموخت.

شعری که زندگی است...

چرخ و فلک

زهره نیلی
روزنامه‌نگار

شعر، شعر است باید خیال انگیز باشد و احساس و عاطفه مخاطب خود را برانگیزد حالا این مخاطب می‌تواند کودک یا بزرگسال باشد. بچه‌ها، شعر را به‌خاطر موزون و آهنگین بودن دوست دارند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. پس پدر و مادرهایی که دلشان می‌خواهد بچه‌های کتاب‌خوان تربیت کنند می‌توانند برای آنها شعر بخوانند. درست است درحال حاضر، مجموعه‌های بسیاری در قالب کتاب شعر منتشر می‌شود و در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد؛ درست است افراد بسیاری به اشتباه تصورمی‌کنند سرودن شعر و ترانه برای کودکان، کار بسیار ساده‌ای است وبه هیچ دانش و تخصصی نیاز ندارد اما از آنجا که هر گردی، گردو نیست هر کلام آهنگینی را هم نمی‌توان شعر دانست. بنابراین پدر و مادرها باید در انتخاب مجموعه شعر برای بچه‌هاشان، دقت کنند.

یکی از روش‌ها برای انتخاب مجموعه شعر خوب، توجه به نام شاعر است. کسانی چون مصطفی رحماندوست، ناصر کشاورز، اسدالله شعبانی، شکوه قاسم‌نیا، افسانه شعبان‌نژاد و جعفر ابراهیمی از سال‌ها پیش تاکنون برای بچه‌ها شعر می‌گویند و هم شعر کودک هم ذهن و زبان بچه‌ها را به‌خوبی می‌شناسند پس اگر قرار است برای فرزندان خود شعر بخوانیم چه خوب که مجموعه شعر شاعران شناخته شده را انتخاب کنیم.

یکی دیگر از راه‌های انتخاب یک مجموعه شعر خوب، توجه به نام ناشر است. روشن است که ناشران خوب، کتاب‌های بهتری را انتخاب و منتشر می‌کنند. ازسوی دیگر، توجه به سن وسال بچه‌ها بسیار مهم است. بچه‌ها هر چه کوچک‌تر باشند، توجه‌شان به معنی و مفهوم کمتر است و بیشتر ریتم و موسیقی است که آنها را جذب می‌کند. شاعرانی چون ناصر کشاورز برای خردسالان، شعرها و ترانه‌های خوب بسیاری سروده‌اند. از سوی دیگر، چند سال پیش، نشر افق هم مجموعه‌ای با عنوان «هیچ هیچ هیچانه» منتشر کرد که در نوع خود، جذاب و خواندنی است. به جز این «پنج‌تا انگشت بودند که...» از مصطفی رحماندوست هم یک مجموعه شعر خوب برای گروه سنی خردسال است.

اما بچه‌ها وقتی دوره خردسالی را پشت سر می‌گذارند به مفهوم شعرها هم اهمیت می‌دهند و لازم است پدر و مادرها، علاوه‌بر اینکه به وزن و قافیه و ظاهر شعر توجه می‌کنند لازم است به مفاهیمی هم که در قالب شعر به بچه‌هاشان ارائه می‌شود، دقت کنند و بدانند چه خوراک فکری‌ای در قالب شعر به فرزندشان داده می‌شود. راستی چه خوب اگر مجموعه شعری با سی‌دی همراه باشد؛ چون یکی از راهکارهای آشنا کردن گوش کودکان با شعر و ترانه، شنیدن است. حالا شما می‌توانید در خانه و حتی در ماشین با دختر یا پسرتان به این سی‌دی گوش کنید. حتی می‌توانید وارد فضای کودکی‌اش شوید و همراه با او شعر و ترانه بخوانید.

وقتی فرزندتان بزرگ‌تر شد و دانستید به شعر علاقه دارد می‌توانید او را با شاعران بزرگی چون حافظ و سعدی و مولانا و عطار و فردوسی آشنا کنید. اما خواندن یک یا دو بیت در روز کافی است؛ بعد، بیتی که خوانده‌اید را برایش معنی کنید تا هم مفهوم شعر را درک کند هم با بزرگان شعر و هنر سرزمین خود و شیوه شعر گفتن‌شان آشنا شود. راستی اگر پسر یا دخترتان به سرودن شعر علاقه‌مند بود او را به این کار تشویق کنید. یادتان باشد در گام نخست، شعر او را تصحیح نکنید، فقط او را بشنوید و تشویق کنید. شاید کودک دلبند شما، یکی از شاعران خوب فردا باشد!

رنج مهمان تو شد نیکوش دار

پیشنهاد

اگر دنبال رهایی از رنج هستید «موهبت» را بخوانید چراکه این کتاب، نقشه فرار از اردوگاه‌های اجباری رنج و اندوه را برایتان رسم می‌کند. ادیت اِگر، نویسنده کتاب، بانویی سالخورده است که بیش از هفتاد سال پیش، از زندان مخوف نازی‌ها در آشوویتس جان به در برد و پس از آنکه به امریکا رفت تحصیلاتش را در روانشناسی ادامه داد و تلاش کرد به همه معاصران بفهماند که با زوال اردوگاه هولناک نازی‌ها، هنوز زندان‌های ذهنی فراوانی وجود دارد که باید دیوارشان را سوراخ کرد و از دهلیز و دالان حفرشده در آن به سوی آرامش گریخت. «موهبت» راهنمای عملی برای رهایی از این زندان‌های ذهنی است.

ادیت اِگر در شمار روانشناسانی جای می‌گیرد که مرامنامه علمی‌شان سه رکن دارد: پذیرش، توجه و محبت. او در سایه این سه اصل بنیادین، جوهره زندگی را تلاش برای رسیدن به رهایی می‌داند و رهایی را نیز «پذیرش توأمان رنج و شادی» تعریف می‌کند. او ما را دعوت می‌کند در مقابل پدیده همگانی و گریزناپذیر رنج، به جای «قربانی بودن»، «بازمانده» باشیم. باید سؤال را از «چرا من؟» به سؤال «حالا چه کنم؟» تغییر دهیم. نتیجه این تغییر، پذیرش صبورانه رنج است. با این پذیرش می‌توان امید داشت که از شرنازی‌های درون خلاص شویم و به رهایی دست پیدا کنیم. نویسنده ۹۲ ساله «موهبت» شرح مصایب دوران اسارت در آشوویتس را صادقانه روایت می‌کند و از آزارهایی که خود و خانواده‌اش در آن دوران متحمل شده‌اند با شفافیت سخن می‌گوید. آنچه خانم اِگر را از بار تحمل‌ناپذیر دوران اردوگاه رهایی می‌بخشد انتخاب امید است چراکه امید، همان زندگی و منحرف کردن فکر از تاریکی و نهایتاً رویارویی با آن است. به زعم نویسنده، ما برای عشق و امید ساخته و زاده شده‌ایم اما نفرت ورزیدن و کینه داشتن امری آموختنی و کسب کردنی است؛ اینکه کدام را برگزینی و در پی کدام باشی بستگی به تو دارد.

در روانشناسی معاصر، خصوصاً در حوزه روانشناسی امریکایی آثار فراوانی را می‌توان یافت که در سایه رویکردهای مثبت‌گرا - مصرف‌گرا، مخاطب را تهییج می‌کنند و جهان را در چشمش مثل مومی بی‌شکل می‌نمایانند که هر صورتی بر آن می‌توان افکند. «موهبت» ضمن آنکه به این دست آثار شباهت‌هایی دارد اما اساساً از جنس آنها نیست. او رنج را امری اصیل و واقعی و البته جانفرسا و طاقت سوز می‌داند. به این اعتبار، رویکردش واقع گرایانه است اما در برابر امر واقع، منفعل و ناتوان نیست. می‌کوشد به جای آنکه سر مار را به سنگ بکوبد دندان‌های زهردارش را بکشد و از رنج، موجودی رام و سزاوار همزیستی بسازد. به‌خاطر همین است که می‌گوید نمی‌توانیم رنج را از بین ببریم اما می‌توانیم بیاموزیم زخم‌ها را گرامی بداریم و این، کمابیش ترجمانی از سخن مولانا جلال‌الدین است که فرمود: «رنج مهمان تو شد نیکوش دار».

«موهبت» در بازار کتاب امروز اثری خواندنی و توصیه کردنی است. در زمانه‌ای که از زمین بلا می‌روید و از آسمان اندوه می‌بارد، کتابی که شیوه نامه همزیستی با رنج را به ما می‌آموزد مولودی بس مبارک و مغتنم است. نثر شیرین نویسنده وقتی در ترجمه روان و خوشخوان مترجم، آرتمیس مسعودی، منعکس شده لذت یک همنشینی فرهنگی را چندچندان می‌کند.

■ موهبت
■ ادیت اگر ترجمه: آرتمیس مسعودی
■ نشر آموت

به بهانه تولد سعید صادقی عکاس جنگ

ترسیم تعهد در آیینه صداقت

نکته

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

سعید صادقی عکاس مشهور جنگ امروز ۶۸ ساله می‌شود. ۶۸ سالی که نزدیک به ۵ دهه آن با حوادث مهم تاریخیِ درآمیخته. با این ویژگی که سعید حتماً جزئی از آن حوادث بوده است. چرا که اساساً سعید اهل ایستادن کنار گود نیست. همان ویژگی که نظر کارگردان فیلم عروسی خوبان را جلب کرد تا شخصیت سعید را در قهرمان فیلمش بازتاب دهد؛ خصوصیتی که برخاسته از صداقت بوده و صاحبش را ناگزیر از پرداخت هزینه کرده است. اول بار در «آیت فیلم» با وی آشنا شدم. آیت فیلم به‌همت بزرگانی همچون شهید بهشتی، شهید باهنر، مهندس میرحسین موسوی، مهندس سیدمحمد بهشتی و... تأسیس شده بود تا ظرفیت هنری مبارزان مسلمان را ساماندهی و ارائه کند. سعید صادقی نیز به‌عنوان عکاس جذب مؤسسه آیت فیلم و مشغول فعالیت شد. تأسیس این مؤسسه همزمان بود با آغازمرحله تازه‌ای از انقلاب اسلامی مردم ایران و تداوم آن به‌شکل راهپیمایی‌های روزانه از چهار سوی شهر به‌سمت دانشگاه تهران، سعید هر روز با یکی ازدسته‌های راهپیمایی همراه شده و درعین مشارکت و همراهی با آنان چندین فریم عکس هم تهیه می‌کرد و در زاویه کوچکی که نامش را به زحمت می‌شد تاریکخانه گذاشت آنها را ظهور و بر روی کاغذ عکس در قطعات بزرگ و متوسط چاپ می‌کرد. مهندس سیدمصطفی هاشمی‌طبا هم مسئولیت برپایی نمایشگاه‌های عکس انقلاب در تهران و شهرستان‌ها با عکس‌های سعید و دیگران را برعهده داشت. سعید آن روزها هم مثل همین روزها پرشور و پرتحرک بود و در کنار کار حاشیه‌ای عکاسی از صحنه‌های انقلاب، مسئولیت عکاسی از صحنه فیلمی با عنوان «جنگ اطهر» را نیز برعهده داشت. در ادامه آیت فیلم مجموعه ارزشمند دیگری که شاکله اصلی آن فیلم‌ها و عکس‌های هنرمندانی بود که از صحنه‌های انقلاب تهیه کرده بودند با عنوان «لیلة القدر» برای معرفی ماهیت مردمی انقلاب اسلامی برای مخاطبین اروپایی ساخت که تعدادی از عکس‌های سعید نیز در آن گنجانیده شد.

با پیروزی انقلاب فعالیت آیت فیلم هم متوقف شد و بار دیگر در روزنامه جمهوری اسلامی به‌عنوان عکاس خبری مشغول به فعالیت شد. سعید با شجاعت تمام در میان تجمعات گروه‌های قدرت طلب سیاسی حاضر شده و از آنان عکس‌های جنجالی تهیه می‌کرد. عکس‌هایی که چند بار دسته‌هایی از اعضا و میلیشیای آنان را سنگ و چوب به‌دست به جلو روزنامه کشید. یکی از این مرتبه‌ها سعید از تجمع گروه رجوی و برگزاری نماز جماعت در فضای باز عکسی تهیه کرد که افشاگر ماهیت ریاکارانه آنان بود. در این عکس که تعدادی از سران گروه رجوی نیز شرکت داشتند، جملگی با کفش به نماز جماعت ایستاده بودند. با انتشار این عکس جمعیتی ۲۰۰ نفره به دفتر روزنامه حمله کردند و قصد تصرف ساختمان روزنامه را داشتند که با شجاعت یکی از نفرات حراست موفق نشدند.

فردای هجوم سراسری عراق به کشورمان با هم راهی خرمشهر شدیم. هوا تاریک بود که به نزدیکی خرمشهر رسیدیم. کنار جاده اهواز- خرمشهر چند تن از افسران بلند پایه ارتش ایستاده بودند. سوارشان کردیم. مقصد آنان آبادان و بانک ملی این شهر، مقر اولیه مدافعان شهر بود. بعد از رساندن آنان چون جایی را نمی‌شناختیم و براثر آتش گرفتن انبار قیر پالایشگاه لایه سیاهی علاوه برسیاهی شب روی شهر گسترده شده بود و به‌دلایل امنیتی مجاز به روشن کردن چراغ نبودیم ناچار کنار خیابان نگه داشتیم وشب را همان جا بیتوته کردیم.

ساعتی نگذشت که آتشباری عراقی‌ها برروی شهر آغاز شد و محل بیتوته ما یکی از اهداف گلوله‌های سلاح معروف به خمسه خمسه بود. سعید انگار نه انگار با هربار شلیک و اصابت گلوله مینی کاتیوشا هزاران ترکش قاتل به اطراف پراکنده می‌شود راحت و آسوده کنار دیوار در پیاده رو خوابیده بود این در حالی بود که من و راننده از ترس اصابت ترکش داخل جوی دراز کشیده بودیم و سرمان را زیر پل فرو کرده وخواب از چشمانمان ربوده شده بود.

سعید همواره برای من سمبل شجاعت و آرمان خواهی بوده وهست. او اگر راهی را درست تشخیص دهد تا پای جان می‌ایستد و هیچگاه به حقیقتی که به آن رسیده پشت نخواهد کرد.

هنرمندان در فضای مجازی

چندین ماه است که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، روح حیات بر سالن‌های نمایشی‌مان جاری است، آن‌هم در شرایطی که سالن‌های تئاتر و سینماهای کشورمان بخش قابل توجهی از سال گذشته‌شان به تعطیلی سپری شده بود. رونمایی از پوستر برخی فیلم‌های سینمایی خبر از آن می‌دهد که چیزی تا اکران‌های تازه در سینماهای کشورمان نمانده، البته این همه اتفاقاتی نیست که این روزها در حوزه فرهنگ و هنر شاهد هستیم، عرصه کتاب و موسیقی هم نوید از کارهای تازه فعالان آنها می‌دهند.

■ **دومین اکران مردمی «آتابای»**

بنابر اطلاعات مندرج در صفحه «سینما اکت»، اکران مردمی فیلم سینمایی «آتابای» امروز، دوشنبه پانزدهم آذرماه با حضور نیکی کریمی، پارسا پیروزفر و نوید محمدزاده انجام می‌شود. سکانسی که برای این منظور در نظر گرفته شده ساعت ۱۷:۳۰ پردیس سینمایی کوروش است. این دومین اکران مردمی این فیلم برای تهرانی‌ها است که در پردیس سینمایی کوروش به میزبانی علاقه‌مندان می‌رود. این ساخته سینمایی در هفته‌ای که گذشت عنوان پرفروش‌ترین فیلم هفته را کسب کرده، به‌طوری که فروش آن در برخی شهرها از فیلم‌های کمدی ۱۴۰۰ پیشی گرفت. علاقه مندان می‌توانند بلیت این فیلم را از سامانه‌های «سینما تیکت»، «گیشه ۷» و «ایران تیکت» تهیه کنند.

■ **چهره‌ها**

اسماعیل امینی، شاعر و پژوهشگر ادبیات از برپایی چهارمین وبینار ادبی خبر داده، این وبینار دوجلسه‌ای از ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰ برگزار می‌شود. این استاد دانشگاه، وبینار مذکور را در راستای جلسه نشست‌های مدرسه گلونی، با عنوان «چگونه شعر بخوانیم» برپا می‌کند. از جمله سرفصل‌های این دوره می‌توان به «شناخت روش استفاده از کتاب‌های شعر بزرگان دیروز و امروز شعر ایران»، «آشنایی با دنیای شعری و زبان و بیان شاعران بزرگ»، «خطاهای رایج در مطالعه و ارزیابی آثار شعری» و «معرفی منافع مطالعاتی برای استفاده مؤثرتر از آثار بزرگان شعر ایران» اشاره کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید سری به صفحه شخصی این نویسنده و شاعربزنید.

علیرضا قربانی، خواننده موسیقی ایرانی پوستری با عنوان «با من بخوان» منتشر کرده و در توضیحات آن نوشته: «بعد از مدت‌های طولانی فرصتی دست داد تا بتوانیم تورکنسرت‌های «با من بخوان» را در خارج از ایران به روی صحنه ببریم. همان طور که مطلع هستید، ما در حال اجرای این پروژه در تهران بودیم که متأسفانه همه‌گیری این بیماری در ایران و تمام جهان شروع شد و تمامی برنامه‌های هنری به تعویق افتادند.» او تصریح کرده طبق هماهنگی‌های صورت گرفته قرار بوده که تعداد برنامه‌های بیشتری در این سری کنسرت داشته باشند که به‌دنبال شرایط فعلی لغو شده‌اند یا به تأخیر افتاده‌اند. قربانی گفته که یازدهم و شانزدهم دسامبر میزبان علاقه مندان در آلمان و سوئیس خواهد بود.

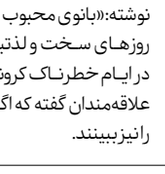

کوروش سلیمانی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون پوستری از نمایش «فرودگاه، پرواز شماره ۷۰۷» منتشر کرده و نوشته: «همزمان با رونمایی از پوستر نمایش فرودگاه، پرواز شماره ۷۰۷ پیش فروش بلیت‌های آن از ساعت دوازده یکشنبه در سایت تیوال شروع شده است.» بر اساس اطلاعات مندرج در این پست، برای فروش بلیت‌ها در سه روز نخست تخفیف ویژه‌ای در نظر گرفته شده، شروع اجرا نیز از پنجشنبه پیش رو، مصادف با هجدهم آذرماه خواهد بود. گفتنی است که سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر میزبانی این اجرا را به عهده خواهد داشت. احمدرضا احمدی نویسندگی و کوروش سلیمانی هم کارگردانی آن را بر عهده دارد.

گلاب آدینه، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون تصاویری از تمرین برای نمایش تازه‌ای که در آن حضور دارد منتشر کرده و نوشته: «بانوی محبوب من/ سالن اصلی تئاتر شهر، روزهای سخت و لذتبخش تمرین‌های طولانی در ایام خطرناک کرونا.» در ادامه هم خطاب به علاقه‌مندان گفته که اگر مایل بودند مابقی تصاویر رانیزببینند.

■ **آیینی برای رونمایی از کتاب خانم بازیگر**

به‌تازگی مراسمی برای رونمایی از رمان گلاره عباسی برپا شده، آیین رونمایی رمان« مریلین مونرو سرجردن» او که با حضور برخی اهالی فرهنگ و هنر برگزار شد. در همین باره این بازیگر سینما و تلویزیون تصویری از حسن فتحی، کارگردان و فیلمنامه نویس کشورمان منتشر کرده، فتحی هم از حاضران در این مراسم رونمایی بوده که عباسی با درج چند سطر از حضورش قدردانی کرده. این نخستین کتابی است که به همت عباسی روانه کتابفروشی‌ها شده، داستان آن درباره زنی خانه دار و ماجراهای پیش روی زندگی اش است. نکته جالب توجه این که وی پیش از روی آوردن به دنیای بازیگری نویسنده بوده و چند داستان کوتاه نوشته که در نشریات مختلف منتشر شده بودند.

عکس نوشت

موزه سینمای ایران به مناسبت بیست‌وپنجمین سالروز درگذشت علی حاتمی، تصاویری از این سینماگر کشورمان منتشر کرده است. حاتمی حداقل ۱۴ فیلم بلند سینمایی و مجموعه تلویزیونی ساخته، وی از جمله فیلمسازان پیشروی نسلی به شمار می‌آید که پیشگامان فصل جدید سینمای کشورمان از میان آنان برخاسته است./منبع عکس: موزه سینما